



روایت هنرمندی که ساعت‌ها حرم مطهر رضوی را از پشت لنز دوربین ثبت کرده‌است

هنر باید در ضمیر ناخودآگاه اثر بگذارد

علیرضا حسینی، تکتم علیدوست

برخی از دانشگاه‌ها، به عنوان فوق برنامه تدریس می‌کرد که به دلایلی این اواخر تدریس را ادامه نداد. اولین سوال مصاحبه ما با علیرضا سبحانی، در همین باره بود. از آنجا که او یکی از معدود تحصیلکرده‌های رشته فیلمبرداری تخصصی در مشهد است و در همین حین تجربیات ارزنده‌ای در خصوص کارهای رضوی دارد، خواندن این مصاحبه را به کلیه هنرمندانی که در این زمینه فعالیت دارند، توصیه می‌کنم. او در طول مصاحبه به دقت، تک‌تک جملات را ادا می‌کرد و در جاهایی که لازم می‌دانست، توضیحات اضافی ارائه می‌کرد.

- چرا تدریس را رها کردید؟

به نظر می‌رسید اکثراً برای تفریح و تفنن در کلاس‌های فیلمسازی ثبت‌نام کرده‌اند و این رشته را به عنوان آینده شغلی و ارزشهای هنری آن دنبال نمی‌کردند. یک جوان یا نوجوان با ۲۰ یا ۲۵ جلسه، تصویربرداری نمی‌شود. من وقتم را برای کسانی می‌گذاشتم که بدون هیچ علاقه‌ای وارد کلاس‌ها شده بودند

سال ۱۳۴۲ در قم متولد شد. بین سال‌های ۶۰ تا ۶۴ عکاس و فیلمبردار جنگ بود و سال ۶۴ وارد دانشگاه هنرهای زیبا در رشته تئاتر شد. بعد از یک ترم انصراف داد و در حالی که همزمان دانشکده صدا و سیما قبول شده بود، وارد این دانشکده شد. رشته فیلمبرداری تخصصی (فیلمبرداری ۳۵ سینما) را خواند. آن موقع دانشکده صدا و سیما رشته فیلم و ویدئو را تفکیک می‌کرد و جداگانه تدریس می‌شد. سال ۶۸ فارغ التحصیل شد. ابتدا به دلایلی، قصد استخدام شدن در صدا و سیما را نداشت. دو سال فعالیت‌های مختلف در سینما و تلویزیون و عکاسی برای ۱۰ کتاب کودک داشت، اما بالاخره در سال ۷۰ در صدا و سیمای مرکز خراسان استخدام و اول مهر سال ۸۹ بازنشسته شد.

در این مدت تدریس هم می‌کرد. در جبهه، عکاسی حرفه‌ای را تجربه کرد و به رزمنده‌ها عکاسی می‌آموخت. در زمان دانشجویی، در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، و بعدها سینما جوان، باشگاه صدا و سیما و در

و مطمئناً در طول یک ترم، حتی یک یا دو نفر تصویربردار از میان آنها بیرون نمی‌آید. در واقع ابتدا باید فرد علاقه‌مند باشد و بعد از آن چند ترم آموزش تخصصی ببیند تا بعد از ۲ سال تصویربردار قابلی شود که بتواند از عهده کار برآید. البته در طول سی سالگی که تدریس کردم، تقریباً در باشگاه خبرنگاران جوان صدا و سیما یا در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، این اتفاق افتاده است و شاگردهای خوبی تربیت شدند که خیلی از آنها دوستان یا همکاران من هستند. خیلی مهم است که افرادی که می‌آیند، به نتیجه برسند. هیچکدام از سیستم‌های آموزشی که در مراکز آموزش هنر در سطح شهر وجود دارد، برنامه ریزی مشخصی ندارند و افراد هزینه‌ای می‌کنند و به نتیجه نمی‌رسند.

دلیل دومش هم این بود که وقت نداشتم و گرنه من عاشق تدریسم.

- چه کارهای عمده‌ای در این مدت به عنوان فیلمبردار و کارگردان انجام داده‌اید؟

وقتی کارمند صدا و سیما هستید، هر روز مشغول کارید. سال ۷۰ که من به مرکز خراسان آمدم، دو فیلم ۱۶ میلی متری را کارگردانی و فیلمبرداری کردم؛ یکی، "کودکان و کار" و یک فیلم هم درباره نمادهای عزاداری عاشورا. بعد از آن هم در بیشتر برنامه‌های صدا و سیما به عنوان تصویربردار حضور داشتم. در سال ۷۴ در فیلمی درباره معماری قدیم مشهد با عنوان "یاد باد" تصویربردار بودم که آقای عباس مهاجران کارگردانی کرده بود، که با آن جایزه بهترین فیلمبردار جشنواره شهرستان‌های صدا و سیما را گرفتم. بعد، در سال ۷۵ با آقای جواد اردکانی با موضوع تاریخچه ضریح مطهر، یک فیلم کار کردیم با نام "خانه خورشید" که به نظر من جزء معدود فیلم‌های خوبی است که درباره حرم رضوی کار شده است. همان سال در جشنواره دوم سیما، در بین ۶ شبکه تلویزیونی و ۲۰۰ تصویربردار، جایزه بهترین تصویربردار را دریافت کردم. یک مجموعه ۲۶ قسمتی درباره کتابخانه آستان قدس رضوی ساخته‌ام با عنوان "گنجینه رضوان" که چند نوبت از سیما خراسان پخش شد و الان هم پخش مجدد می‌شود.

یکی از مستندهایی که دوستش دارم و خیلی برایش وقت گذاشته‌ام، کاری است با عنوان "نقش جان" که درباره درب‌های حرم مطهر رضوی و هنرهای چوبی به کار رفته در آن‌هاست. در درب‌های حرم مطهر، هنرهای مختلفی به کار رفته است. در عین حال درب‌ها و این هنرها بهانه‌ای بودند برای عرض ادب به ساحت مقدس آقا علی بن موسی الرضا (علیه السلام).

سه قسمت درباره موزه فرش کار کردم که یک قسمت درباره خود موزه فرش بود. یک قسمت درباره فرش‌های پرده‌ای حرم که سوژه بسیار قشنگی داشت، و یک قسمت در مورد چهره ماندگار فرش ایران، استاد صفدرزاده که فرش‌های نفیسی به حرم رضوی اهدا کرده است.

و همواره بیشترین دغدغه ذهنی من کارهای معارفی بوده

است.

- کمی درباره «خانه خورشید» کار جواد اردکانی صحبت کنید؟
اسفند ۷۴ فیلمبرداری شروع شد. آقای جواد اردکانی کارگردان بودند و من به عنوان فیلمبردار با ایشان همکاری داشتم. جزئیات را زیاد به خاطر ندارم، اما چند نکته خیلی برایم جالب بود. دیدن ضریح از نزدیک و گرفتن تصاویری خاص به عنوان اولین بیننده، از زوایایی که قلب میلیونها عاشق دلباخته را به تپش می‌انداخت، لحظات شورانگیزی برای من رقم زد و بسیار دلنشین بود.

من جوان‌تر بودم و آقای اردکانی را خیلی نمی‌شناختم. روز اول تا ظهر از اشکالات کارش شاکی بودم. داشتم از همکاری با او منصرف می‌شدم. یعنی می‌خواستم از فردا سرکارش نیایم. اما کمی صبر کردم و دیدم ریزبینی‌هایش چیزهای زیادی به من می‌آموزد. در تلویزیون گاهی اوقات به هنگام تولید، سه اصل "زیاد، زود، ارزان" حکم فرما بوده است. به همین دلیل کیفیت به شدت افت می‌کند. اما او با آن حساسیت‌هایی که داشت و بعداً فهمیدم که چقدر بجا و دقیق هم بوده‌اند، باعث شد این کار به شدت مورد استقبال قرار بگیرد.

- شما هم تحصیلکرده این رشته هستید و هم با تجربه. چه فرقی بین تحصیل و تجربه در این رشته وجود دارد؟

الآن سینما را به‌صورت یک صنعت می‌شناسند. نمی‌شود بدون تحصیلات وارد این عرصه شد. هرچند در سینمای ما هستند کسانی که بدون تحصیلات نیز وارد شده‌اند. این روزها، جوان‌ها اکثراً می‌خواهند یک شبه ره صد ساله را بروند. دستیار فیلمبرداری که ۶ ماه است دستتاری کرده فکر می‌کند می‌تواند فیلمبرداری کند. البته تکنولوژی‌های جدید کار را بسیار آسان کرده‌اند. اما به هر حال در کلاس‌های آکادمیک چیزهایی آموزش داده می‌شود که بعضاً جای دیگری گفته نمی‌شود و البته در حین کار هم آدم چیزهایی می‌آموزد که به هیچ عنوان در هیچ کلاسی نمی‌تواند بیاموزد. بنابراین فکر می‌کنم هر دو توأمان مکمل یکدیگر هستند. اما مهمترین چیز در حرفه ما، خلاقیت است. شاید تجربه و تحصیل بیست درصد کار باشد. هشتاد درصد دیگر کار، به عشق، خلاقیت و پشتکار فرد برمی‌گردد.

- آیا تصویربردار با فیلمبردار فرق می‌کند؟

فیلمبردار کسی است که با نگاتیو و پروسه فیلم سروکار دارد. به عبارتی فعالیت فیلم در یک فرایند شیمیایی معنا پیدا می‌کند. تصویربردار کسی است که با ویدئو و دوربین‌های ویدئو سروکار دارد که به عبارتی یک فرایند مغناطیسی است. من فیلمبردار هستم ولی تصویربرداری را هم خوانده‌ام و کار کرده‌ام. چون به‌خاطر سیستم کاری تلویزیون ناچار بودم. در گذشته کسی که لیسانس فیلمبرداری از دانشگاه صدا و سیما می‌گرفت، باید دو سال در صدا و سیما دستتاری می‌کرد و

سبحانی، شما دچار بیماری وسواس شده‌اید! حالا این سؤال مطرح می‌شود که آیا مخاطب عام باید بفهمد که من روی نور و تکنیک‌های دیگر اینقدر دقت کرده‌ام یا نه؟ پاسخ این است که اگر کسی بفهمد که دیگر هنر نیست. هنر باید در ضمیر ناخودآگاه بیننده اثر بگذارد. مانند اشعار حافظ که اگر هم کسی محتوا را نفهمد، از ریتم و آهنگ کلمات لذت می‌برد.

- وقتی که در کارهای مذهبی پشت دوربین هستید، چه حسی دارید؟

واقعاً احساس می‌کنم آن لحظات، لحظات واقعی عمر من است. در واقع چه لحظاتی که در حرم رضوی بودم و چه تمام پلان‌هایی که در مکه و مدینه ضبط کردم، برایم ثبت شده و از به یاد آوری تک‌تک آن لحظات لذت می‌برم. انجام این کارها برکات زیادی برایم داشته‌است. هر چقدر آدم مخلص‌تر باشد، عنایت بیشتر است.

- به عنوان آخرین سؤال، مهمترین اصل برای کسی که می‌خواهد برای معرفی امام رضا(علیه السلام) فیلمسازی انجام دهد، چیست؟

این کار از دو بخش تشکیل شده است؛ یکی توان تخصصی فرد و امکانات فنی او که می‌خواهد وارد این کار شود، است و بحث دیگر اعتقاد است. وقتی قرار است درباره حرم امام رضا(علیه السلام) فیلم بسازم، باید پرسیم که این شخص کیست؟ جایگاهش کجاست؟ و کاری که من می‌خواهم بکنم، نتیجه‌اش چه خواهد شد؟ باید خودم تحقیق کنم و به یافته‌هایم ایمان بیاورم. موضوعات کارهای معارفی، مفاهیمی معنوی و ماورایی است و چون کار در این زمینه بسیار سخت است، معمولاً فیلمسازان کمتر به سراغ آنها می‌روند. کار در موضوعات مادی به دلیل اینکه ملموس و مادی هستند، راحت‌تر است. به تصویر کشیدن موضوعات ماورائی کار راحتی نیست. پس واقعاً چگونه می‌شود حس و ارادتی را که یک زائر به امام رضا(علیه السلام) دارد، به تصویر کشید؟ این خیلی سخت است و خیلی از فیلمسازان به خاطر سختی کار، وارد این عرصه نمی‌شوند.

یکی دیگر از مشکلات کارهای معارفی، بودجه کمی است که برای آنها در نظر می‌گیرند. نکته دیگر این است که فرد بدون مرجع و منبع حرفی را بزند و اشتباهی مرتکب شود که باید پاسخگو باشد. باید خیلی حساب شده وارد این حوزه شد.

من فکر می‌کنم بخش مهم موضوعات معارفی، بحث تحقیق است. تحقیق باید توسط کسی انجام شود که محقق کارهای تصویری است. به نظر من، این یک تخصص است. یک نفر محقق، باید رسانه ای و فقط برای برنامه‌های تلویزیونی یا مستند و یا سینمایی تحقیق کند. باید به متن، تصویر و فضا بدهد.

بعد اجازه فیلمبرداری می‌یافت. در واقع فیلمبردار شدن، شیوه خاص خودش را داشت. اما الان با حضور دوربین‌های جدید، با دوره‌های سه چهار ماهه و گاهی اوقات بدون آموزش، افراد می‌روند پشت دوربین و به همین دلیل در بعضی از برنامه‌ها مشکل زیبایی‌شناسی تصویر داریم.

- هنر دینی و هنر آیینی چه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی دارد. لطفاً از تجربیاتتان برای کسانی که می‌خواهند وارد این عرصه شوند، بگویید؟

به نظر من این عرصه بسیار گسترده است و بسیار مفصل می‌توان در آن کار کرد. به عنوان مثال، من در چند سال گذشته، ۱۵ مستند تنها درباره حج تهیه کرده‌ام. حوزه بسیار وسیعی است و هنوز جای کار بسیاری دارد. یک نکته نگاه خود هنرمند است و یک نکته هم بحث ساختار و موضوعات آن است. ما هنرمندان اگر قصد داریم درباره این سوژه‌ها کار کنیم، باید خودمان به این مفاهیم اعتقاد قلبی داشته باشیم. یک موقع هست که موضوعات را به عنوان سوژه نگاه می‌کنیم و یک موقع با نگاه اعتقادی می‌نگریم که به نظر با نگاه اعتقادی است که به نتیجه خواهیم رسید. به همین دلیل معتقدم در زمینه حرم مطهر کار معرفتی کم شده‌است. کارهایی که در آن در و دیوار و گنبد و بارگاه معرفی شوند، زیاد انجام شده، اما کار معرفتی که فردی را تحت تأثیر قرار دهد خیلی کم کار شده. هر چند به نظر من در عالم هنر، با یک فیلم نمی‌توان یک نفر را تحت تأثیر قرار داد و متحول کرد و امکان ندارد یک نفر فیلمی ببیند و اعتقادات قبلی‌اش را کنار بگذارد.

شاید انبوهی از فیلم‌ها بتواند این کار را بکند. مثالی از سینمای هالیوود بزنم. موضوعاتی مطرح می‌کنند و در تمام هنرهایشان این تفکر تکرار می‌شود. در دهه ۹۰، اگر یک بچه آمریکایی در خانه تنها می‌ماند، مثل فیلم "تنها در خانه" از عهده خودش برمی‌آمد. یعنی بچه آمریکایی ماورای آدمهای زمینی است. این‌ها با زبان هنر و تولید انبوه، روی افکار عمومی مردم جهان کار می‌کنند.

اما بخش دوم صحبت‌م، مربوط به بحث ساختار و قالب اثر هنری است. از ویژگی‌هایی که برای هنر قائل هستم، این است که هنر در لایه‌های پنهان باید اثرگذار باشد و در ضمیر ناخودآگاه فرد اثر بگذارد.

- شما در کار چگونه عمل کردید که این اتفاق بیفتد؟

این را دیگران باید بگویند، نه من. اما من عاشق فیلمسازی هستم. الان هم بعد از سی سال، شبها خواب دوربین می‌بینم. گاهی اوقات شده برای نور ساده صحنه، ۲ ساعت وقت گذاشته‌ام. در برنامه دانشجویان که به معرفی نخبگان آستان خراسان می‌پرداخت، این اتفاق افتاد.

جالب بود که یکی از شخصیت‌های معروفی که برای مصاحبه به سراغش رفته بودم و پزشک بود، به من گفت: جناب